

خاطراتی از عملیات نظامی در  
آذربایجان، کردستان و بلوچستان  
۱۳۲۰-۱۳۰۲ شمسی

سرلشکر محمود امین

به کوشش

سیروان خسروزاده

|                      |                                                                                                                      |
|----------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه              | خسروزاده، سیروان، ۱۳۶۱، گردآورنده                                                                                    |
| عنوان و نام پدیدآور  | خاطراتی از عملیات نظامی در آذربایجان، کردستان و بلوچستان ۱۳۰۲-۱۳۰۳ شمسی: سرلشکر محمود امین/ به کوشش سیروان خسروزاده. |
| مشخصات نشر           | تهران: پردیس دانش ۱۳۹۴.                                                                                              |
| مشخصات ظاهری         | ۴۷۲ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.                                                                                                |
| فروست                | مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۶۶                                                                                        |
| شابک                 | ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰-۱۱۷-۶                                                                                                    |
| ضمیمه فهرست نویسی    | فیبای مختصر                                                                                                          |
| موضوع                | امین، محمود، ۱۳۲۰-۱۳۷۰                                                                                               |
| موضوع                | ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۰۴ - خاطرات                                                                            |
| رده بندی کنگره       | DSR ۱۴۸۶/الف ۸ ص ۱۳۹۴                                                                                                |
| رده بندی دیویی       | ۹۵۵/۰۸۲۴-۹۲                                                                                                          |
| شماره کتاب شناسی ملی | ۳۹۰۵۳۳۸                                                                                                              |



## خاطراتی از عملیات نظامی در آذربایجان، کردستان و بلوچستان

سرلشکر محمود امین

۱۳۰۲-۱۳۰۳ شمسی

نویسنده: به کوشش سیروان خسروزاده

انتشارات: پردیس دانش

طراح جلد: پردیس خرمی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

تیراژ: ۷۷۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران. صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶۹۵۰۰۱۸۲

سایت: [www.shirazehketab.net](http://www.shirazehketab.net)

## فهرست مطالب

|     |                                               |
|-----|-----------------------------------------------|
| ۷   | یادداشت دبیر مجموعه                           |
| ۱۳  | پیشگفتار                                      |
| ۲۱  | فصل اول: تاریخچه زندگانی                      |
| ۵۵  | فصل دوم: عملیات پولادلو (۱۳۰۲)                |
| ۸۳  | فصل سوم: کردستان (۱۳۱۰-۱۳۰۷)                  |
| ۸۳  | بخش اول: خاطرات                               |
| ۱۳۱ | بخش دوم: احکام عملیاتی                        |
| ۱۹۵ | فصل چهارم: تاریخچه اردوی فرماندهی ماکو (۱۳۱۰) |
| ۱۹۵ | بخش اول: خاطرات                               |
| ۲۰۷ | بخش دوم: احکام عملیاتی                        |
| ۲۸۱ | فصل پنجم: بلوچستان (۱۳۱۷)                     |
| ۳۴۹ | فصل ششم: جنگ عمومی                            |
| ۳۸۷ | فصل هفتم: بانه                                |

۴۲۷ ..... فصل هشتم: آخرین قسمت

۴۳۷ ..... پیوست: شادروان سرلشکر محمود امین

۴۴۱ ..... فهرست اعلام

www.ketab.ir

## یادداشت دبیر مجموعه

در یک دوره از تاریخ معاصر ایران، یعنی در فاصله فروپاشی سلسله قاجار تا برآمدن و شکل‌گیری یک نظام حاکمیت به صورت پادشاهی پهلوی، نیروهای نظامی نقش مهمی در تحولات سیاسی کشور ایفا کردند؛ در دسترس نبودن اسناد و مدارک این حوزه بخصوص از تحولات ایران باعث شده است که این رنگ و نقش تا حدود زیادی ناشناخته باقی بماند.

تا رفع این کاستی، یعنی تا فراهم شدن زمینه دسترسی پژوهشگران به اسناد و مدارک آرشیوهای نظامی و انتظامی، جز استفاده از اسناد و خاطرات شخصی چهره‌های نظامی راه دیگری بر جای نیست؛ نوشته‌هایی که پیشتر در چارچوب همین مجموعه - مجموعه «تاریخ معاصر» شرکت نشر و پژوهش شیرازه‌کتاب - نمونه‌هایی چند از آن منتشر شده است و اینک نیز با انتشار کتاب *خاطراتی از عملیات نظامی در آذربایجان، کردستان و بلوچستان ۱۳۲۰-۱۳۰۲ شمسی* به قلم سرلشکر محمود امین اثر دیگری در این زمینه ارائه می‌شود.<sup>۱</sup>

---

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به فهرست آثار منتشرشده در این مجموعه در انتهی کتاب.

سرلشکر محمودخان امین (۱۳۲۰-۱۲۷۱ ه.ش) یکی از افسران برجسته ایرانی است؛ اگرچه پیشینه تحصیلات و خدمات نظامی او در عثمانی به سال‌های پیش از جنگ جهانی اول می‌رسد و در مراحل بعد نیز هم در پاره‌ای از مهمترین نبردهای عثمانیان در جنگ اول شرکت کرد و هم در تعدادی از عملیات اولیه قشون متحدالشکل ایران در نیمه نخست دهه ۱۳۰۰ شمسی، اما فقط در خلال عملیات نظامی کردستان در سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۰۷ شمسی بود که در مقام یک افسر قابل و توانا نام و آوازه‌ای یافت. از قضای روزگار، پس از یک رشته مسئولیت‌های نظامی در آذربایجان و بلوچستان، در سال‌های دهه ۱۳۱۰، باز هم در کردستان بود که در خلال آشوب حاصل از حمله متفقین و فروپاشی نظام حاکم، و در تلاش اعاده امنیت همان حوزه‌ای که خود در یک مرحله پیشین در تأمین اولیه‌اش کوشیده بود، در بهمن ۱۳۲۰ جان باخت.<sup>۱</sup>

آنچه اینک تحت عنوان *خاطراتی از عملیات نظامی در آذربایجان، کردستان و بلوچستان*، ۱۳۲۰-۱۳۰۲ منتشر می‌شود پیشتر در فاصله تیرماه ۱۳۵۳ تا آبان‌ماه ۱۳۵۵ در *مهنه ارتش شاهنشاهی* تحت عنوان «خاطرات تیمسار شهید سرلشکر محمود امین» منتشر شده بود اما بنا به دلایلی چون دور از دسترس بودن آن نشریه و همچنین اهمیت مباحث مطرح‌شده از لحاظ تاریخی تجدید چاپ آن لازم می‌نمود؛ زحمت این کار را دوست گرامی و پژوهشگر ارجمند جناب آقای سیروان خسروزاده برعهده گرفتند.

۱. در کنار خاطرات و یادداشت‌های محمودخان امین در این کتاب، شرح حال مختصری از وی مشتمل بر مراحل درجات، مشاغل عمده، امتیازات و مأموریت‌های جنگی نیز به نقل از کتاب *تاریخ جاوید* در انتهی پیوست شده است.

*تاریخ جاوید* کتاب یادبودی است که - احتمالاً - در سال ۱۳۲۶، ستاد ارتش به اهتمام محمدرضا خلیلی عراقی به یاد شهدای نظامی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ منتشر کرد. در مراحل بعد دو مجلد دیگر از این مجموعه مشتمل بر شرح حال دیگر شهدای ارتش از بدو تشکیل قشون متحدالشکل نیز منتشر شدند.

همان گونه که اشاره شد اهمیت اساسی و اولیهٔ خاطرات سرلشکر محمود امین در توضیح و توصیف وی از چند مرحلهٔ مهم از لشکرکشی‌های نظامی دورهٔ رضاشاه است؛ از عملیات سرکوب عشایر پولادلو و خلخال (۱۳۰۲) گرفته تا دوران خدمات نظامی وی در کردستان (۱۳۱۰-۱۳۰۷) که با اقداماتی چون چیرگی بر دزلی توأم شد. اقدامی که راه را بر تلاش‌های بعدی قشون برای اعادهٔ حاکمیت مرکز بر اورامان گشود که آخرین دور از عملیات عمدهٔ نظامی در کردستان بود.<sup>۱</sup>

عملیات بعدی وی، فرماندهی اردوی ماکو در سرکوب عشایر گردی بود که پس از سرکوب شورش آزارات از خاک ترکیه به ایران گریخته بودند، اگرچه این برخورد بیشتر نوعی درگیری «تحمیلی» بود - رسیدگی به تبعات لشکرکشی‌های ترکیه بر ضد کردها- و از لحاظ مملکتداری اهمیتی همسان عملیات قبلی محمودخان امین در حدود دزلی نداشت ولی از لحاظ رویارویی با یک گروه کارآزموده و از جان گذشته، درگیری خُرد و کم‌اهمیتی محسوب نمی‌شد.<sup>۲</sup>

تجربهٔ بعدی محمودخان امین در بلوچستان (۱۳۱۷) نیز به همین ترتیب؛ برخلاف عملیاتی که در سال ۱۳۰۷ تحت فرماندهی سرتیپ امان‌الله جهانبانی برای اعادهٔ حاکمیت مرکز بر بلوچستان صورت گرفت که اهمیتی مملکتی داشت،<sup>۳</sup> اقدامات سرتیپ امین برای سرکوب جمعه‌خان اسمعیل‌زائی در سال ۱۳۱۷- فصل پنجم این بررسی- عملیاتی فرعی و حاشیه‌ای بیش

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به نایب سرهنگ حاجعلی رزم‌آرا، *عملیات اورامان، پاییز و زمستان ۱۳۱۰ شمسی*، به کوشش کامبیز رزم‌آرا و کاوه بیات، تهران: پردیس دانش با همکاری شرکت نشر و پژوهش شیرازهٔ کتاب، ۱۳۸۷.

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به کاوه بیات، *شورش گردهای ترکیه و تأثیر آن بر روابط خارجی ایران، ۱۳۱۰-۱۳۰۷ ه.ش*، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۴.

۳. بنگرید به امیرلشکر امان‌الله جهانبانی، *عملیات قشون در بلوچستان*، تهران، ۱۳۳۶.

نبود حتی در این برخورد از لزوم رویارویی با «یک گروه کارآموده و از جان گذشته» نیز نمی‌شد سخن گفت؛ درواقع در این رویارویی نیز مانند عملیات پیشین جهانبانی، نیروهای نظامی بیشتر با یک طبیعت سخت و ناهموار، فقدان حداقلی از راه‌های ارتباطی و دشواری تأمین تدارکات لازم برای هرگونه نقل و انتقال نظامی دست و پنجه نرم می‌کردند تا یک نیروی کارآمد و کارکشته نظامی.

اگرچه سرتیپ امین در بخشی از این خاطرات از اقدامات سرتیپ عباس البرز، فرمانده پیشین قوای بلوچستان با لحنی ستایش‌آمیز سخن می‌گوید ولی می‌دانیم که سرتیپ البرز در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ به دلیل اعمال جنایتکارانه خود در بلوچستان محاکمه شد<sup>۱</sup> و احتمالاً آن رویکرد در ایجاد وضعیتی که به یک لشکرکشی مجدد و انتصاب محمودخان امین به جای او منجر شد بی‌تأثیر نبوده است.

آشوب و اغتشاش ناشی از فروپاشی ارتش و نظام حاکم بر ایران در خلال حمله متفقین در شهریور ۱۳۲۰، بویژه در حوزه‌های عشایری کشور در امتداد ارتفاعات زاگرس، ابعاد فوق‌العاده گسترده‌ای داشت. یکی از این حوزه‌ها کردستان بود. گوشه‌ای از آشوب‌های اولیه آن حدود در امتداد محور سنندج - سقز - بانه در خلال یادداشت‌های ناتمام سرتیپ امین در دو فصل پایانی کتاب مورد اشاره قرار گرفته است، هرچند که برای بررسی و شناسایی تحولات آن مقطع به داده‌ها و دانسته‌هایی به‌مراتب بیش از این مطالب نیاز هست.<sup>۲</sup>

۱. بنگرید به سرتیپ میرحسین یکرنگیان، سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰، تهران: انتشارات خجسته، ۱۳۸۴، صص ۳۴۶-۳۴۵.

۲. برای آگاهی بیشتر و همچنین اطلاع از پاره‌ای از تحولات بعدی آن حدود پس از کشته شدن سرلشکر محمودخان امین بنگرید به: حسین رامتین، فرمان آتش در کوهستان باختر کردستان ۱۳۲۱-۱۳۲۰، تهران: شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب با همکاری پردیس دانش، ۱۳۸۹.



اما شاید از این بخش پایانی مهمتر، بخش پیشین این خاطرات - فصل ششم، جنگ عمومی - باشد که از حال و هوای حاکم بر محافل نظامی کشور در آستانه پیشامد شهریور و کشیده شدن دامنه جنگ به ایران، شمه‌ای در خود دارد.

برخلاف افسانه‌هایی که در آن سال‌ها، بویژه در توجیه تجاوز نظامی روس و انگلیس شایع شد، به گونه‌ای که در این یادداشت‌ها ملاحظه می‌شود، احساس همدلی و همراهی با فتوحات آلمان، احساس فراگیری نبوده است. در این بخش محمودخان امین یکی از افسران عالی‌رتبه ارتش بنا به دلایلی که شرح می‌دهد خطر حاصل از پیروزی آلمان را از نقطه‌نظر منافع ملی ایران، خطری به مراتب بیش از مخاطرات مستتر در پیروزی احتمالی متفقین می‌دید. وی در این ارزیابی بیش از هر عامل دیگر، سیاست احتمالی ترکیه را مدنظر داشت. سرتیپ محمودخان امین که از گرایش‌های توسعه‌طلبانه ترک‌ها تجارب دست‌اولی داشت از آن بیمناک بود که ترکیه در چارچوب همراهی با آلمان چشم طمع نیز به خاک ایران دوخته باشد.<sup>۱</sup> محمودخان امین در یکی از آخرین یادداشت‌هایش، در آستانه شهریورماه، با در نظر داشتن وضعیت خطیر ایران در آن لحظه از سه راه پیش روی بی‌طرفی مطلق، طرفداری از آلمان و طرفداری از متفقین - به درستی - راه سوم را اصلح دانسته بود<sup>۲</sup>، ولی می‌دانیم که زمامدار وقت، ناتوان از حفظ بی‌طرفی، بدون انتخاب یک راه دیگر، سیاستی منفعلانه در پیش گرفت و کشور را به تندباد اشغال نظامی بیگانه سپرد. یکی از مهمترین قربانیان این کوتاهی نیز نظامیان ایران بودند که دست‌بسته و بدون برخورداری از کوچکترین اختیاری، دستخوش وقایعی شدند که خود در پیشامد آن هیچ

۱. صص ۳۵۸-۳۵۷ همین بررسی.

۲. ص ۳۷۷ همین بررسی.

نقشی نداشتند. سرلشکر محمود امین همانند بسیاری از دیگر سربازان ایران با جان خود توان این اهمال و بی مسئولیتی را داد.

کاوه بیات

www.ketab.ir

## پیشگفتار

به دنبال اهمیتی که بعد از کودتای سوم ۱۲۹۹ به ایجاد تشکیلات یک نظام منسجم و مدرن در ایران داده شد، طولی نکشید که طبقه نظامیان در سطحی گسترده ظهور و رشد یافتند. این تحول به گونه‌ای بود که رضاخان در مدت کوتاهی شمار صاحب‌منصبان عالی‌رتبه نظامی را چنان بالا برد که نیر شیرازی به طعنه می‌گوید: «مگر ایران چند میلیون قشون دارد که هزاران سپهد، امیرلشکر، سرلشکر، تیمسار و سرهنگ و سرگرد آن را سنگین‌بار ساخته تا برسد به سروان‌ها و ستوان‌ها و سرگروهبان‌ها و گروهبان‌ها؟ این افسران برای نظم مملکتند یا برای هضم آن؟»<sup>۱</sup> اگرچه ادعای نیر شیرازی اغراق‌آمیز می‌باشد اما نشان از نابسامانی وضع قشون دارد.

طبیعتاً بخش بزرگی از این افسران مورد اشاره نیر شیرازی فاقد آموزش‌های آکادمیک و تجربه‌های نظامی بودند، اما در میان بخشی دیگر از آنان که در فاصله زمانی بعد از انقلاب مشروطه تا روی کار آمدن پهلوی اول و پس از آن برای طی مدارج نظامی راهی خارج از کشور شده بودند

---

۱. نیر شیرازی، عبدالرسول، روزگار پهلوی اول، به تصحیح محمدیوسف نیری، انتشارات دریای نور، شیراز: ۱۳۸۷، ص ۱۲۸.

افسرانی دوره‌دیده و توانا هم وجود داشتند. در میان این افسران، بودند کسانی که در کنار کسب آموزش‌های نظامی‌گری، در جنگ نخست بین‌الملل نیز شرکت کرده و تجربیات فراوانی به‌دست آورده بودند. محمود امین از جمله چنین نظامیانی بود. از این لحاظ وی نیز مانند افسرانی همچون کلنل محمدتقی‌خان پسیان، نخستین خلبان ایرانی، در خارج از کشور دوره نظامی دید و در جنگ نخست بین‌الملل در صفوف قوای آلمان و عثمانی جنگ‌آزموده گردید. نامبرده در رشته توپخانه دوره دیده و به اقرار شاهدان متعدد، در این رشته افسری حرفه‌ای بود. محمود امین پس از اتمام دوران تحصیل و بازگشت از عثمانی وارد خدمات نظامی شد. شاید نخستین مأموریتی که پس از استخدام در قشون به انجام رساند فرماندهی عملیاتی محاصره کنسولگری آلمان در تبریز به دستور خیابانی بود که به خودکشی کنسول آلمان انجامید.<sup>۱</sup>

برادر و برادرزاده محمود امین نیز در خدمت نظام بودند. در جریان سقوط مهاباد به‌دست سمکو در سال ۱۳۰۰ شمسی، نایب هاشم‌خان امین، برادر محمودخان از معدود افسرانی بود که همراه با ملک‌زاده از قتل‌عام به‌دست قوای اسماعیل آقا (سمکو) تحت شرایطی نجات یافت. در مورد برادرزاده‌اش، سرهنگ محمدحسین امین نیز باید گفت خاطرات ناتمام محمود امین را بعد از کشته شدنش، وی تکمیل نمود.

محمود امین در نبردهایی که حکومت مرکزی قاجار و سپس پهلوی با سمکو نمودند نقش مهمی ایفا کرد. در نبرد سرنوشت‌ساز شکرپازی در سال ۱۳۰۱ شمسی، توپخانه قوای دولتی که تحت سرپرستی وی قرار داشت نقش تعیین‌کننده‌ای در آن رویارویی ایفا کرد. حتی در شورش دوم سمکو در

سال ۱۳۰۵ آن گونه که سپهبد امیراحمدی در خاطراتش اشاره می کند توپخانه محمودخان امین کماکان مؤثر و کارا بود: «افسری در آن قسمت داشتم به نام سرگرد محمود امین که با توپخانه مانند تفنگ تیراندازی می کرد و به وسیله ساچمه تلفات زیادی به آنها وارد ساخت»<sup>۱</sup>

محمود امین از جمله افسران عالیرتبه است که به نظر می آید در پیروی از شعار «خلع شاه، میهن» تردید چندانی به دل راه نمی داده است، نمونه ای از شدت این اعتقاد را می توان در برخورد وی با سرهنگ شهاب دید. شرح ماجرا چنین بود که زمانی که سرهنگ سیف الله شهاب برای بازرسی به کردستان رفته بود ضمن صحبت با سرهنگ امین که در این زمان فرماندهی تیپ کردستان را بر عهده داشت، گفته بود: «مملکت چه و قشون چه؟ سرتاسر ایران یعنی املاک اختصاصی شاه و قشون نیز به منزله اسکورت شاه می باشد.» گویا سرهنگ امین نیز بی درنگ این مذاکره را به تهران گزارش داده بود و در نتیجه، سرهنگ شهاب محاکمه و اخراج گردید، اگرچه بعد از شهریور ۱۳۲۰ توسط سپهبد امیراحمدی به خدمت بازگردانده شد.<sup>۲</sup>

خاطرات محمود امین را می توان به دو بخش تقسیم نمود: بخش اصلی که شرح عملیات نظامی است در سرکوبی شورش پولادلو، تصرف دزلی، خاتمه دادن به شورش گردهای مرتبط با شورش آرارات، تعقیب جمعه اسماعیل زائی در بلوچستان، همچنین فرماندهی عملیات علیه شورش مجدد محمدرشیدخان بانه بعد از شهریور ۱۳۲۰ در کردستان می باشد. بخش بعدی که شامل اطلاعات و نقطه نظرات شخصی وی در رابطه با مسائل گوناگون است. از مهمترین این موارد، باید به آراء قابل تأمل وی در رابطه با وقایع

۱. امیراحمدی، احمد، خاطرات نخستین سپهبد ایران احمد امیراحمدی، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، تهران: ۱۳۷۳، ص ۲۷۷.

۲. همان، ص ۴۰۸.

مهمی چون انقلاب مشروطه در ایران و عثمانی، و همچنین تجزیه و تحلیل‌های وی در خصوص جنگ جهانی دوم و مسائل مرتبط با آن توجه کرد. در خصوص بخش اخیر خاطراتش برای نمونه باید به نظرات نویسنده در رابطه با انقلاب مشروطه ایران اشاره نمود: «حوادث هرج و مرج‌های بی‌سروپا که نباید اسم ادبی انقلاب گذاشت...» و در ادامه می‌افزاید: «دقایق و ساعات میلیون‌ها مقدرات توده بخت برگشته ایرانی طعمه هوی و هوس انقلاب من درآوردی گردیده، هر فرد سیاسی غلط نه در خیال اصلاحات اساسی و ترقیات عمومی بوده هرکس خیالات بی‌ترتیب و نارس بلکه فاسده خود را به نام مشروطه بی‌زبان و عاطفه... به موقع اجرا می‌گذاشت.» البته نباید اظهارات او را به حدیث با اساس مشروطه قلمداد نمود زیرا وی در ادامه می‌گوید ملتی که یک تئیش شهرنشین و دو تئیش تحصیل کرده نباشد نباید قصد مسائل عمده را بنماید. وی در پایان نتیجه می‌گیرد کلمه مقدس مشروطه به دست یک مشت جماعت جاهل و نادان افتاده و دولت هم از همان جماعت لایعلمون تشکیل یافته بود.

آن‌چنان که گفته شد بخش اصلی خاطرات محمود امین، شرح عملیات نظامی وی می‌باشد. جدای از جنگ با فولادلوها، در بقیه موارد وی فرماندهی عملیات را شخصاً برعهده داشت. خوشبختانه برخلاف عملکرد افسرانی چون سرتیپ البرز در بلوچستان، سپهد امیراحمدی در لرستان، سرتیپ جان‌محمدخان دولو در دشت ترکمن و امثالهم، رویکرد محمودخان امین با مسائل پیش رو ماهیتی جنایت‌بار نداشت.

در دوره پهلوی اول به نام برقراری امنیت، بی‌عدالتی‌های زیادی صورت گرفت. روزنامه‌های آن‌زمان جنایات ارتش را موجه نشان داده و شورش‌های

مقاومتی را کم و بیش عکس‌العمل‌هایی ارتجاعی قلمداد می‌کردند.<sup>۱</sup> اگرچه محمودخان امین در رویارویی با پناهندگان بازمانده از شورش‌گردهای ترکیه - واقعه آزارت در سال ۱۳۰۷ شمسی - که زنان و کودکان نیز در میان آن‌ها بودند به خدعه و خشونت رفتار کرد و چارچوب حاکم بر آن تقابل در مجموع چارچوبی نظامی بود.

در رابطه با موفقیت‌های محمودخان امین در تعقیب جمعه‌خان بلوچ و محمودخان دزلی و در نتیجه گسترش نفوذ حکومت مرکزی در بلوچستان و کردستان باید متوجه بود که وی صرفاً از یک منظر نظامی صرف به حل و فصل این مسائل اقدام نکرد؛ به عنوان نمونه در تصرف دزلی با ایجاد شکاف میان سران گُرد مریوان و دزلی و بهره‌گیری از تنش‌های موجود میان آنان نشان داد که در کنار توانایی نظامی از شِمّ سیاسی بسیار بالایی نیز برخوردار است. هنوز هم در دزلی و مریوان برای مردم جای سؤال است که قوای دولتی چگونه به آسانی توانستند دزلی را به تصرف درآورند. تنها با اتکاء به اسناد و خاطرات حاضر است که می‌توان جزئیات دقیق این واقعه را درک نمود. تصرف دزلی تأثیر زیادی در شکست و تسلیم شدن شیخ محمود حفید داشت. وی سابقاً در مواقع لزوم از خاک عراق به مریوان و دزلی پناه می‌برد اما با تصرف دزلی توسط قوای دولتی، از آن پس چاره‌ای جز تسلیم در برابر حکومت عراق و انگلیسی‌ها برایش نماند. آن‌گونه که از متن کتاب پیداست محمودخان کانی‌سانانی در تصرف دزلی که شکست شیخ محمود را تسریع کرد نقشی قابل ملاحظه داشته است.

به دنبال تحولات شهریور ۱۳۲۰ و با حمله متفقین به ایران، قوای نظامی ایران به سرعت متلاشی و پراکنده شدند. از جمله نتایج این واقعه غارت

۱. واعظ، نفیسه، سیاست عشایری دولت پهلوی اول، نشر تاریخ ایران، تهران: ۱۳۸۸، صص ۴۷۳-۴۷۲.

پادگان‌ها و مسلح شدن عشایر و سکنه شهرها و روستاها بویژه در کردستان بود. در نتیجه چنین اوضاعی بود که در شهرهای کردستان بویژه سقز و بانه ناآرامی‌های جدی نمایان گردید و شاهد تحرکاتی بودیم مانند حرکت تفنگچیان مریوانی به سوی سنندج و اظهارات اعتراضی رؤسای آنها نسبت به عملکرد مسئولین دولتی در کردستان و همچنین مطالبات قابل تأمل آن‌ها. البته بررسی دلایل بروز چنین واکنش‌هایی دقیقاً به سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت رضاشاهی در ادوار پیش برمی‌گشت که در این کتاب نمونه‌هایی چند از آن توصیف شده و بررسی بیشتر آن مستلزم تحقیقات دیگر است. به هر روی در چنین شرایطی حکم انتصاب سرتیپ محمود امین به کردستان صادر شد. این امر مورد مخالفت وی قرار گرفت. ظاهراً ستاد ارتش امیدوار بود با تجربه‌ای که وی سابقاً در تصرف دزلی و سرکوب مخالفان داشته بود، این بار نیز بتواند بهتر از هر کسی مشکلات آن ناحیه را حل و فصل نماید. مخالفت‌های محمود امین بی‌نتیجه بود و سرانجام ناچار به عزیمت به کردستان گشت و طولی نکشید که در بهمن ۱۳۲۰، در سقز در جنگ با قوای محمد رشیدییک بانه کشته می‌شود.

خاطرات محمود امین نخستین بار در دهه ۱۳۵۰ به صورت بخش‌بخش در *مهنامه ارتش شاهنشاهی* در بیست و هفت شماره به چاپ رسید. نشر نویسنده به عنوان شخصیتی نظامی، آن‌چنان که مشاهده می‌شود سلیس و روان نیست. در ثبت اسامی افراد و جای‌ها نیز به گونه‌ای که ملاحظه می‌شود دقت کافی نشده است اما از آنجا که به اصل دست‌نوشته وی دسترسی وجود ندارد روشن نیست اشتباهات مزبور تا چه اندازه در اصل متن بوده‌اند و تا چه اندازه نیز ناشی از بی‌دقتی دست‌اندرکاران *مهنامه ارتش شاهنشاهی*. نگارنده تصحیح خاطرات وی، سعی کرد پاره‌ای از اشتباهات مزبور را اصلاح کند اما با این حال برخی از واژه‌ها و اصطلاحات همچنان



مبهم باقی ماند.

ضروریست اشاره شود قسمت‌هایی از خاطرات محمودخان امین که تحت عنوان «بیانیه‌هایی که در تیپ کردستان برای تقویت روحیه و اصلاح اخلاق و اطوار صاحب‌منصبان انتشار یافته است»، در مهنامه ارتش شاهنشاهی منتشر شده بود نیز چون در قیاس با دیگر بخش‌های خاطرات متضمن نکته‌ای تاریخی نبود در بازچاپ این متن حذف گردیده است.

در پایان این یادداشت باید از دوستان و عزیزانی که هریک به نوعی بنده را یاری دادند سپاسگزاری نمایم. از آنجا که آوردن نام تمامی این عزیزان مقدور نیست، مشخصاً از همکاری دوستان بزرگوار آقایان عبدالقادر براهویی، رثوف محمودپور، میلاد شیخکانلو، فاتح ارژنگی و پرویز اسماعیلی صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

فواد کیاکسار (سیروان خسروزاده)

بهار ۱۳۹۴